



بررسی تاثیر ساختار سرمایه و میزان نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی

دکتر صدیقه عزیزی^۱ ©

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، بافت، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۰ دی ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۱)

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تاثیر ساختار سرمایه و میزان نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی است. در این راستا برای اندازه‌گیری ساختار سرمایه از نسبت بدهی و برای سنجش سطح نگهداشت وجه نقد از نسبت وجوه نقد به اضافه سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت استفاده شده است. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۲۵ سال-شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۹ با استفاده از رگرسیون چندمتغیره بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان داد با افزایش نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی، کنترل اعتباردهندگان و تأمین‌کنندگان برون‌سازمانی نسبت به مالکان بیشتر می‌شود. بدین ترتیب با افزایش این نسبت اعتباردهندگان برون‌سازمانی در جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع خواستار افزایش شفافیت، تلاش بیشتر و جدیت کار حسابرسی شده که این امر منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. همچنین نتایج نشان داد با ثابت نگه داشتن سایر عوامل، نگهداشت وجه نقد تاثیری مثبت و معنادار بر حق الزحمه حسابرسی دارد. این نتیجه منعکس‌کننده این موضوع است که حسابرسی به سطوح مختلف نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها که یکی از منابع هزینه‌های نمایندگی است واکنش نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: نگهداشت وجه نقد، ساختار سرمایه، حق الزحمه حسابرسی.

^۱ s_azizi23@yahoo.com

مقدمه

ادبیات نظری مدت‌هاست که تشخیص داده مسائل نمایندگی می‌تواند بر انتخاب‌های تامین مالی و نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها تأثیر بگذارد (به عنوان مثال، مودیلیانی و میلر [۲۹]، راس [۳۱]، مایرز و مجلوف [۳۰]). بدیهی است که در این رابطه صورت‌های مالی نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی دارند و یکپارچگی آنها برای عملکرد خوب بازارهای سرمایه ضروری است. در این زمینه حسابرسان به نوبه خود نقشی کلیدی در کاهش مشکلات نمایندگی و تایید اطلاعات ایفا می‌کنند. با این وجود، همه حسابرسان ممکن است سطح یکسانی از خدمات را ارائه ندهند. ادبیات نظری [مانند ۱۸، ۱۴] اغلب بر این تصور استوار است که چنانچه خدمات حسابرس گرانتر باشد، موسسه حسابرسی سطح بالاتری از کیفیت حسابرسی را ارائه می‌دهند. به عنوان مثال، ویلنبورگ [۳۴] بیان می‌کند که به طور گسترده‌ای مشاهده می‌شود شرکت‌های بزرگتر و معتبرتر انگیزه زیادی برای انجام دادن یک حسابرسی با کیفیت پایین در یک قیمت بالا را ندارند. بدین ترتیب اگر چه کیفیت و حق‌الزحمه حسابرس برای موفقیت تصمیمات تامین مالی و میزان نگهداشت وجه نقد شرکت کاملاً حیاتی است؛ اما فهم نقش حسابرسی در تعدیل هزینه‌های نمایندگی مرتبط با ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد بسیار مهم است [۲۸]. به خصوص این که چگونه حق‌الزحمه‌های حسابرسی با توجه به هزینه‌های نمایندگی ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد تغییر می‌کند. در زمینه ساختار سرمایه، شرکت‌ها در زمان عدم کفایت منابع نقدی داخلی، ابتدا از محل بدهی‌ها اقدام به تأمین مالی می‌کنند و در مرحله دوم است که به سراغ منابع سرمایه‌ای می‌روند [۱۷]. بر این اساس، شرکت‌ها برای تامین منابع مالی مورد نیاز از یک سلسله مراتب معین پیروی می‌کنند (نظریه سلسله مراتبی). شکل‌گیری این سلسله مراتب، نتیجه یا پیامد عدم تقارن اطلاعاتی است. بر مبنای نظریه سلسله مراتبی، در مواقعی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران وجود داشته باشد، مدیران تامین مالی از محل منابع درونی را به منابع بیرونی ترجیح می‌دهند؛ بدان معنا که در مرحله اول مدیران تلاش می‌کنند از محل سود و زیان انباشته یا اندوخته‌ها تامین مالی را انجام دهند. اگر منابع داخلی کافی نبود، در مرحله دوم از بین منابع بیرونی شرکت، ابتدا به انتشار کم ریسک‌ترین اوراق بهادار یعنی اوراق قرضه (استقراض) می‌پردازند و در صورتی که استقراض هم کافی نباشد و به منابع مالی بیشتری نیاز باشد، اقدام به انتشار سهام می‌کنند. بدین ترتیب انتخاب نادرست در مورد ساختار سرمایه می‌تواند به افزایش ریسک منجر می‌شود. زمانی که منابع تامین مالی بیرونی افزایش یابد باعث می‌شود تملک و قدرت اعتباردهندگان بیشتر شود و آنها خواستار نوعی شفافیت در عملیات و فعالیت‌های شرکت شوند. برای رسیدن به این شفافیت و کاهش مشکلات نمایندگی تقاضا برای حسابرس مستقل بیشتر از گذشته اهمیت می‌یابد [۳۳]؛ لذا احتمال می‌رود با توجه به افزایش تامین‌کنندگان برون سازمانی، حق‌الزحمه حسابرسی نیز به علت فشاری که بر موسسه حسابرسی ایجاد می‌شود افزایش پیدا کند [۳۲]. در زمینه نقش حسابرسی در تعدیل هزینه‌های نمایندگی مربوط به نگهداشت وجه نقد ادبیات پژوهش نشان می‌دهد مدیران به جای حداکثرسازی ثروت سهامداران، در پی کسب قدرت، اعمال نفوذ و کنترل بر شرکت هستند؛ از اینرو مدیران برای دستیابی به اهداف خود که

اغلب بر اهداف سهامداران منطبق نیست، انگیزه دارند وجوه نقد زیادی را انباشت کنند؛ بنابراین نگهداشت وجه نقد می تواند موجب تضاد منافع بین مدیران و مالکان شود و هزینه های نمایندگی را افزایش دهد. در مجموع زمانی که حسابرسان با شرایطی روبرو می شوند که در آن هزینه های نمایندگی در طول دوره حسابرسی صورت های مالی بالاتر می رود، احتمالاً ریسک حسابرسی بالاتری را شناسایی کرده و در نتیجه تلاش بیشتری برای جلوگیری یا کاهش تحریف های مرتبط با مشکلات انتخاب نادرست، اعمال می کنند [۲۵]. در همین راستا، بنجامین و همکاران [۱۵] معتقدند که حسابرسان در قیمت گذاری حق الزحمه حسابرسی، هزینه های نمایندگی ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد را شناسایی و منعکس می کنند. آنها معتقدند که با تقاضای سهامداران برای حسابرسی با کیفیت بالا، نگهداری وجه نقد توسط شرکت ها کمتر می شود. حسابرسان مانند سهامداران در شرکت صاحبکار، تحت تأثیر نگهداشت وجه نقد در شرکت هستند و نگهداشت وجه نقد در شرکت را به عنوان عاملی در افزایش هزینه های نمایندگی در نظر گرفته و بر این اساس آن را در تعیین حق الزحمه خود منعکس می کنند [۵]. با این وجود، پژوهش های اندکی در حوزه تأثیر حق الزحمه حسابرسی بر ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد وجود دارد؛ لذا این پژوهش به گونه ای طراحی شده است تا برخی از مشکلات و محدودیت هایی که در پژوهش های پیشین مشاهده شده را رفع کند و به پرسش های ذیل پاسخ دهد. آیا ساختار سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد؟ آیا نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر می گذارد؟

مبانی نظری و بسط فرضیه ها

حق الزحمه حسابرسی انعکاسی از هزینه های اقتصادی حسابرسان کارآمد است [۳] و بر اساس بهای تمام شده خدمات به کار رفته در فرآیند حسابرسی به اضافه تخمینی از زیان های ناشی از مسئولیت حسابرس در برابر گزارش منتشره شده، محاسبه می شود [۱۱].

طبق مدل سایمونیک [۳۳]، تابع حق الزحمه حسابرس شامل دو جزء هزینه مربوط به حجم عملیات رسیدگی و صرف ریسک حسابرسی است و در یک بازار رقابتی، حسابرسان حق الزحمه را براساس این دو عامل تعدیل می کنند. در چنین شرایطی، حسابرسی موفق است که بتواند با توجه به ویژگی های واحد مورد رسیدگی، بهترین برآورد را از حق الزحمه داشته باشد تا ضمن حفظ کیفیت کار، حسابرسی را با حداقل هزینه انجام دهد [۷].

در همین راستا، از مهمترین فاکتورهای تاثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی برای جبران ریسک و تلاش حسابرس، مساله نمایندگی برای نگهداشت وجه نقد و ساختار سرمایه است.

با تکیه بر ادبیات پیشین فاما و میلر [۲۲]، جنسون و مکلینگ [۲۷] اولین پژوهشگرانی بودند که استدلال کردند هزینه های نمایندگی بین مدیران و سهامداران به تصمیمات ساختار سرمایه مربوط می شود. چارچوب تضادهای نمایندگی، یک رویکرد محبوب و روشننگر برای سنجش اهمیت نسبی برای تعیین ساختار سرمایه است [۱۶]. هدف اصلی نظریه نمایندگی، طراحی ساختارهای حاکمیتی جایگزین برای کاهش هزینه های نمایندگی ناشی از تضاد احتمالی منافع بین سهامداران و مدیران است [۲۷]. جنسون [۲۶] معتقد است ارزش سهام بیش از حد می تواند منجر به جریان نقدی آزاد و تضاد منافع بین مدیران

و سهامداران شود. هریس و راویو [۲۴] نشان می‌دهند که بدهی مسئله بین سرمایه‌گذاران و مدیران را کاهش می‌دهد و به سرمایه‌گذاران این امکان را می‌دهد که اگر جریان‌های نقدی ضعیف هستند، مجبور به انحلال شوند. فرضیه جریان وجه نقد آزاد جنسون [۲۶] بر نقش انضباطی بدهی به عنوان یکی از راه‌های مؤثر برای کاهش چنین تعارضات نمایندگی تأکید می‌کند. این اثرات کنترلی بدهی یک عامل بالقوه تعیین کننده ساختار سرمایه هستند [۲۷]. در این شرایط و با افزایش مسئله نمایندگی، شرکت‌ها برای رفع تعارضات بین مالک-مدیران و مالک-سهامداران درخواست حسابرسی مستقل و با کیفیت می‌کنند؛ زیرا تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل، از تضاد منافع میان مالکان و مدیران ناشی می‌شود و با افزایش هزینه‌های نمایندگی تقاضا برای حسابرسی با کیفیت بیشتر می‌شود [۸].

در همین رابطه، مساله نمایندگی برای نگهداشت وجه نقد منتج از آن است که اغلب شرکت‌ها به دلیل افزایش توانایی شرکت برای استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری سودمند و پرهیز از تامین مالی خارجی گران قیمت، میزان قابل توجهی وجه نقد نگهداری می‌کنند [۱۷]؛ لذا مدیران با کمترین نظارتی به موجودی نقد شرکت دسترسی داشته و استفاده آنها از منابع نقدی شرکت تا حد زیادی اختیاری است [۲۰، ۱۳]. در این شرایط، بر منبای نظریه نمایندگی، وجه نقد مازاد زمینه لازم برای رفتار فرصت طلبانه و با انگیزه کسب منفعت شخصی از سوی مدیران را فراهم ساخته و می‌تواند منجر به تشدید تضاد نمایندگی شود [۲۷].

در مجموع زمانی که مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد تقاضا برای حسابرسی افزایش پیدا می‌کند و حسابرسان مستقل به خاطر مسئولیتی که حسابرسان صورت‌های مالی به او منتقل می‌کند، تلاش خود را افزایش می‌دهد. تلاش بیشتر حسابرسان، حق الزحمه بیشتری را می‌طلبد. در حقیقت حق الزحمه حسابرسی تحت تأثیر ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد در شرکت است. بدین ترتیب که حسابرسان، ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد در شرکت را به عنوان عاملی در افزایش هزینه‌های نمایندگی در نظر گرفته و بر این اساس آن را در تعیین حق الزحمه خود منعکس می‌کنند [۱۱].

در تعیین ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد در رویکرد مسائل نمایندگی، پدیده‌هایی مانند حق الزحمه حسابرسی، متغیر توضیحی مهمی برای کاهش تضاد بین مدیران و سهامداران است؛ اما موسسات حسابرسی ممکن است سطح یکسانی از خدمات حسابرسی را با حق الزحمه حسابرسی یکسان ارائه ندهند. در همین زمینه، پژوهش‌های پیشین [مانند ۹، ۱۹] نشان می‌دهد موسسات حسابرسی بزرگ سطح بالاتری از کیفیت خدمات حسابرسی را همراه با هزینه‌های حسابرسی بیشتری ارائه می‌دهند. این هزینه‌های حسابرسی بیشتر به این معناست که کیفیت حسابرسی باید مسئله نمایندگی بین مدیران و افراد برون سازمانی را کاهش دهد و در نتیجه بر تصمیم ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد شرکت تأثیر بگذارد [۱۶]. به بیانی دیگر، قیمت گذاری حسابرسی تأثیر مثبتی بر تصمیمات ساختار سرمایه و نگهداشت وجه نقد دارد. با توجه به نقش حق الزحمه حسابرسی در بهبود تعارضات نمایندگی، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: ساختار سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر می‌گذارد.

فرضیه دوم: نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی تاثیر می‌گذارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است که در آن برای آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش حاضر شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط ذیل را دارا باشند. تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۷ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه باشد؛ به دلیل ماهیت متفاوت جزء موسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشند؛ اطلاعات مالی مورد نیاز شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ در دسترس باشد؛ از اینرو پس از جمع‌آوری داده‌ها و لحاظ کردن شرایط فوق، تعداد ۱۲۵ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش در نظر گرفته شد که در طی ۱۳ سال مورد بررسی جمعا ۱۶۲۵ سال-شرکت را دربر گرفت.

مدل و متغیرها

هدف از آزمون فرضیه اول، بررسی تاثیر ساختار سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی است؛ از اینرو به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی (۱) استفاده می‌شود.

$$AF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TDM_{i,t} + \beta_2 SIZE + \beta_3 GROW_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 BM_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \beta_7 LOOS_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

در مدل فوق AF حق الزحمه حسابرسی، TDM ساختار سرمایه، $SIZE$ اندازه شرکت، $GROW$ رشد شرکت، ROA نرخ بازده دارایی‌ها، BM نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام، Age عمر شرکت و $LOSS$ زیان‌دهی است.

هدف از آزمون فرضیه دوم پژوهش، بررسی تاثیر نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی است؛ از اینرو به منظور آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی (۲) استفاده می‌شود.

$$AF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 LI_{i,t} + \beta_2 SIZE + \beta_3 GROW_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 BM_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \beta_7 LOOS_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

در مدل فوق LI نگهداشت وجه نقد و سایر متغیرها مشابه با مدل قبلی است.

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش حق الزحمه حسابرسی است. حق الزحمه حسابرسی، مبلغی است که شرکت طبق قرارداد با موسسه حسابرسی به منظور ارائه خدمات حسابرسی مستقل متحمل می‌شود [۶]. در این

پژوهش همسو با پژوهش‌های بن علی و لسیج [۱۱۴]؛ گریفین و همکاران [۲۳]؛ موسوی شیرینی و بخشیان [۱۰] برای محاسبه حق الزحمه حسابرسی از لگاریتم طبیعی هزینه حسابرسی استفاده شده است که به مؤسسه حسابرسی بابت خدمات حسابرسی در طول سال پرداخت می‌شود. متغیر حق الزحمه حسابرسی از صورت‌های مالی، بخش هزینه‌های عمومی اداری، هزینه حسابرسی و سایر هزینه‌ها استخراج شده است.

متغیر مستقل

متغیرهای مستقل در این پژوهش ساختار سرمایه و سطح نگهداشت وجه نقد است. به منظور سنجش ساختار سرمایه همسو با پژوهش‌های چانگ و همکاران [۱۸] و آنمول و همکاران [۱۲] از نسبت بدهی که عمومی‌ترین تعریف ساختار سرمایه است، استفاده می‌شود. نسبت بدهی از تقسیم ارزش دفتری کل بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود. برای سنجش سطح نگهداشت وجه نقد همسو با پژوهش دیتمار و اسمیت [۲۰]؛ افیونی و هاشمی [۱] مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت شده بر ارزش دفتری دارایی‌های پایان دوره تقسیم شده است. دلیل استفاده سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در محاسبه نگهداشت وجه نقد این است که سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت، نسبت به سایر دارایی‌ها به وجه نقد نزدیک‌تر است و قابلیت تبدیل به وجه نقد بیشتری دارد.

متغیر کنترلی

اندازه شرکت (*SAIZE*)، اندازه از طریق لگاریتم طبیعی فروش به دست می‌آید. استفاده از معیار فروش به جای معیار کل دارایی‌ها در اندازه به دلیل استفاده شرکت‌ها از سیستم حسابداری سنتی است. همچنین دلیل استفاده از معیار فروش به جای معیارهای ارزش بازار گردش معاملاتی کم در بورس اوراق بهادار تهران است [۴].

رشد دارایی‌ها (*GROW*)، رشد یکی از متغیرهای بنیادین مؤثر بر وضعیت آتی سودآوری و میزان بازده سرمایه‌گذاری‌های شرکت در دارایی‌های ثابت است که می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به بازده مطلوب در آینده شود [۲]. برای محاسبه رشد مجموع دارایی‌های اول دوره از مجموع دارایی‌ها در پایان دوره کسر شده و سپس باقی‌مانده بر مجموع دارایی‌های اول دوره تقسیم می‌شود.

نرخ بازده دارایی‌ها (*ROA*)، یکی از متغیرهای مرتبط با سنجش عملکرد با توجه به منابع موجود است. نرخ بازده دارایی‌ها از تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

نسبت ارزش دفتری به بازار (*BM*)، برای اندازه‌گیری این نسبت، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم می‌شود. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام از مجموع سرمایه ثبت شده، اندوخته قانونی، اندوخته احتیاطی، اندوخته طرح و توسعه و سود و زیان انباشته مندرج در ترازنامه شرکت به دست می‌آید. ارزش بازار حقوق صاحبان سهام از حاصلضرب تعداد سهام عادی طی سال مالی و قیمت سهام در پایان سال مالی به دست می‌آید.

سن شرکت (*Age*)، سن برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است.

زیان‌دهی (*LOSS*)، متغیر زیان‌دهی یک متغیر مجازی است که اگر شرکت دچار زیان شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر است.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی در جدول ۱ گزارش شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین ساختار سرمایه (۰/۵۹۶) است که بیانگر این است که به طور متوسط ۵۹ درصد دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تامین مالی شده‌اند. میانگین متغیر نگهداشت وجه نقد (۰/۰۶۹) است که نشان می‌دهد سطح موجودی نقد، بیش از ۶ درصد از کل دارایی‌ها را تشکیل می‌دهد. مقدار به دست آمده کمابیش با نتیجه پژوهش‌های سرلک و همکاران [۵] در بورس تهران همخوانی دارد. میانگین نرخ رشد (۰/۲۴۳) نشان می‌دهد شرکت‌های مورد پژوهش، طی دوره پژوهش ۲۴ درصد رشد داشته‌اند. این نرخ رشد بالا می‌تواند ناشی از تورم باشد. میانگین نرخ بازده دارایی‌ها (۰/۲۰۱) است که نشان می‌دهد شرکت‌های مورد پژوهش به ازای هر ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها ۲۰ درصد بازدهی داشته‌اند. میانگین متغیر مجازی زیان‌دهی (۰/۱۵۲) است که نشان می‌دهد حدود ۱۵ درصد از شرکت‌های مورد پژوهش زیان‌ده بوده‌اند. در بیشتر متغیرها مقدار میانگین و میانه نزدیک به هم هستند که این موضوع بیانگر نرمال بودن داده‌ها است.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین	کمترین
حق‌الزحمه حسابرسی	۶/۲۳۱	۶/۱۰۴	۰/۹۱	۱۰/۷۵۶	۲/۴۸۳
ساختار سرمایه	۰/۵۹۶	۰/۶۰۱	۰/۲۲۴	۰/۷۹۳	۰/۰۸۲
نگهداشت وجه نقد	۰/۰۶۹	۰/۰۶۳	۰/۰۲۹	۰/۲۸۶	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۶/۴۶۱	۵/۶۶۳	۰/۹۸۶	۹/۲۶۶	۳/۵۱۲
رشد دارایی‌ها	۰/۲۴۳	۰/۲۲۴	۰/۱۷۴	۱/۹۴۶	-۱/۵۹۲
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۲۰۱	۰/۲۳۴	۰/۱۶۰	۳/۲۱۸	-۲/۶۳۷
ارزش دفتری به بازار	۰/۴۸۲	۰/۵۳۶	۰/۲۵۲	۱/۷۵۳	-۰/۶۸۹
سن شرکت	۱/۶۰۷	۱/۵۶۴	۱/۰۴۲	۱/۷۵۴	۰/۶۰۱
زیان‌دهی	۰/۱۵۲	۰/۱۳۹	۰/۱۰۷	۱	۰

در این پژوهش از الگوی رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است؛ از اینرو از آزمون F لیمبر برای تعیین نوع روش تخمین (روش داده‌های تلفیقی یا روش داده‌های پانل) و از آزمون هاسمن برای تعیین نوع الگو (اثرات تصادفی یا ثابت) استفاده شده است. نتایج حاصل از

آزمون‌های فوق در جدول ۲ ارائه شده است که نشان می‌دهد سطح معناداری الگوی پژوهش برای آزمون F لیمر و آزمون هاسمن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا مدل پانل با اثرات ثابت برای هر دو مدل انتخاب می‌شود.

جدول ۲. آزمون F لیمر و هاسمن

مدل	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن	
	آماره F	مقدار احتمال	مدل	آماره 2	مقدار احتمال
(۱)	۳/۲۷۲	۰/۰۰۰	پانل	۶/۸۴۲	۰/۰۰۰
(۲)	۴/۶۰۸	۰/۰۰۰	پانل	۵/۳۶۹	۰/۰۰۰

پس از انتخاب نوع الگو برای هر یک از مدل‌های پژوهش، به بررسی مفروضات رگرسیون پرداخته شده است که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. در بررسی فرض ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون والد تعدیل شده در سطح معناداری ۰/۰۵ حاکی از آن است که پسماند مدل‌های برازش شده شماره (۱) و (۲) دارای سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ هستند؛ بنابراین این دو مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس هستند. برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس از ضریب تصحیح وایت استفاده شده است. در بررسی فرض صفر بودن کوواریانس بین اجزا خطا از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون دوربین واتسون از آنجا که بین مقادیر بحرانی ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، نشان می‌دهد بین باقیمانده هر دو مدل پژوهش مشکل خودهمبستگی مرتبه اول وجود ندارد. در بررسی فرض همخطی بین متغیرهای مستقل مدل‌های پژوهش از آزمون همخطی VIF استفاده شده است. نتایج آزمون همخطی VIF در جدول ۳ بیانگر آن است که مقدار میانگین آماره VIF برای متغیرهای مستقل هر دو مدل کمتر از ۵ است؛ لذا بین متغیرهای مستقل مدل‌های پژوهش مشکل همخطی حاد وجود ندارد.

جدول ۳. مفروضات رگرسیون

مدل	آزمون والد تعدیل شده			آزمون دوربین واتسون		آزمون VIF	
	آماره آزمون	مقدار احتمال	ناهمسانی	آماره آزمون	خود همبستگی	آماره آزمون	همخطی
(۱)	۳۵۲/۴۷۳	۰/۰۳۹	دارد	۲/۰۱۰	ندارد	۲/۶۱۳	ندارد
(۲)	۱۴۸/۵۰۸	۰/۰۱۶	دارد	۱/۹۵۲	ندارد	۲/۸۴۲	ندارد

نتایج آزمون فرضیه‌ها

هدف از آزمون فرضیه اول پژوهش، بررسی تاثیر ساختار سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی است که برای این منظور از نسبت بدهی شرکت به عنوان معیاری برای ساختار سرمایه استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش در جدول ۴ ارائه شده است. در بررسی معناداری مدل با توجه به نتایج جدول ۴ احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۲/۰۱۰ است که با توجه به جدول آماره دوربین واتسون نشان می‌دهد بین باقیمانده‌های مدل خودهمبستگی سریالی از نوع مرتبه اول وجود ندارد. همچنین مقدار

ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۴۰۴ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

در بررسی معناداری ضرایب، نتایج نشان می‌دهد ضریب متغیر ساختار سرمایه در سطح معناداری ۰/۰۵ دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار با حق‌الزحمه حسابرسی است. مثبت و معنادار بودن مقدار ضریب ساختار سرمایه ۰/۲۰۳ بدین معناست که ساختار سرمایه با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباطی مستقیم دارد.

جدول ۴. آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
ساختار سرمایه	۰/۲۰۳	۰/۰۵۱	۳/۹۹۰	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۴۶	۰/۰۱۲	۳/۸۰۳	۰/۰۰۰
رشد دارایی‌ها	۰/۰۷۷	۰/۰۳۸	۲/۰۱۳	۰/۰۴۴
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۱/۰۱۷	۰/۳۱۰
ارزش دفتری به بازار	-۰/۱۱۲	۰/۰۶۵	-۱/۱۷۱	۰/۰۸۷
سن شرکت	۰/۳۷۹	۰/۰۵۲	۷/۱۹۷	۰/۰۰۰
زیان‌دهی	-۰/۰۹۹	۰/۰۴۹	-۲/۰۲۰	۰/۰۴۲
ضریب ثابت	-۰/۳۵۷	۰/۰۰۱	-۹/۳۹۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	آماره F	مقدار احتمال	دوربین‌واتسون
۰/۴۰۴	۰/۴۳۸	۲/۲۴۰	۰/۰۰۰	۲/۰۱۰

هدف از آزمون فرضیه دوم پژوهش، بررسی تاثیر نگهداشت وجه نقد بر حق‌الزحمه حسابرسی است. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول ۵ ارائه شده است. در بررسی معناداری مدل با توجه به نتایج جدول ۵ احتمال آماره F در سطح معناداری از ۰/۰۵ کوچک‌تر است که با اطمینان ۹۵٪ معنادار بودن مدل تایید می‌شود. مقدار آماره دوربین‌واتسون برابر با ۱/۹۵۲ است که با توجه به جدول آماره دوربین‌واتسون نشان می‌دهد بین باقیمانده‌های مدل خود همبستگی سریالی از نوع مرتبه اول وجود ندارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۴۶۱ است که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی مدل حدود ۴۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

در بررسی معناداری ضرایب، نتایج نشان می‌دهد ضریب متغیر نگهداشت وجه نقد در سطح معناداری ۰/۰۵ دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار با حق‌الزحمه حسابرسی است. مثبت و معنادار بودن مقدار ضریب ساختار سرمایه ۰/۷۱۷ بدین معناست که ساختار سرمایه با حق‌الزحمه حسابرسی ارتباطی مستقیم دارد.

جدول ۵. آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
نگهداشت وجه نقد	۰/۷۱۷	۰/۱۵۸	۴/۵۳۸	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۵۸۵	۰/۱۴۶	۴/۰۰۹	۰/۰۰۰
رشد دارایی‌ها	۰/۰۴۴	۰/۰۲۴	۱/۸۱۰	۰/۰۷۰

۰/۰۰۶	۲/۷۷۳	۰/۱۵۰	۰/۴۱۷	نرخ بازده دارایی‌ها
۰/۶۵۲	۰/۴۵۲	۰/۳۴۰	۰/۱۵۳	ارزش دفتری به بازار
۰/۰۰۴	۲/۸۸۹	۰/۲۵۲	۰/۷۲۹	سن شرکت
۰/۰۰۶	-۲/۷۷۳	۰/۱۵۰	-۰/۴۱۷	زیان‌دهی
۰/۰۰۰	-۳/۵۱۳	۰/۰۵۶	-۰/۱۹۹	ضریب ثابت
دوربین‌واتسون	مقدار احتمال	آماره F	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل
۱/۹۵۲	۰/۰۰۰	۲/۴۷۷	۰/۴۸۰	۰/۴۶۱

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش داده‌های ترکیبی به بررسی تاثیر ساختار سرمایه و میزان نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است؛ از اینرو با بررسی ادبیات برای اندازه‌گیری ساختار سرمایه از نسبت بدهی شرکت استفاده شده است. به منظور کمی کردن متغیر نگهداشت وجه نقد نیز نسبت وجوه نقد به اضافه سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت در نظر گرفته شده است. در راستای دستیابی به اهداف پژوهش نمونه‌ای متشکل از ۱۶۲۵ سال - شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۹ بررسی شده است.

یافته‌های آزمون فرضیه اول، بررسی تاثیر ساختار سرمایه بر حق الزحمه حسابرسی نشان داد ساختار سرمایه تاثیری مثبت و معنادار بر حق الزحمه حسابرسی دارد. به بیانی دیگر، شرکت‌هایی که دارای نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی بیشتری هستند از حق الزحمه حسابرسی بالاتری برخوردار هستند. به طور کلی، نتایج آزمون فرضیه اول مویید این دیدگاه است که افزایش نسبت ساختار سرمایه مبتنی بر بدهی حاکی از افزایش بدهی‌ها و کنترل بیشتر اعتباردهندگان نسبت به مالکان است. کنترل بیشتر اعتباردهندگان نسبت به مالکان باعث می‌شود افراد برون‌سازمانی خواستار دقت و تلاش بیشتر حسابرس شوند؛ زیرا با توجه به تضاد منفعی که بین مدیران و افراد برون‌سازمانی که منفعی در شرکت دارند به وجود می‌آید، این امکان وجود دارد که مدیران از منابع آنها به نفع خود استفاده کرده و منابع آنها را از بین ببرند؛ بنابراین آنها خواهان افزایش کیفیت حسابرسی هستند که با این خواسته مبلغ حق الزحمه افزایش پیدا می‌کند تا جبران کننده خدمت حسابرسان باشد؛ بدین ترتیب ساختار سرمایه عاملی برای افزایش حق الزحمه حسابرسان است. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش مشابه با نتایج پژوهش قدیم‌پور و دستگیر [۷] و بنجامین و همکاران [۱۵] است.

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش، بررسی تاثیر نگهداشت وجه نقد بر حق الزحمه حسابرسی نشان داد بین نگهداشت وجه نقد و حق الزحمه حسابرسی رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. در تفسیر این یافته می‌توان بیان کرد حسابرسان در تعیین حق الزحمه حسابرسی، مشخصه‌های ریسک صاحبکار را در نظر گرفته و ریسک‌های مربوط را از طریق حق الزحمه‌های بالاتر جبران می‌کنند. به بیانی دیگر، نگهداشت وجه نقد به عنوان یکی از عوامل ریسک صاحبکار، ریسک حسابرسی را افزایش داده و باعث می‌شود حسابرسان از طریق افزایش حق الزحمه حسابرسی تلاش کنند این ریسک را پوشش دهند. در واقع،

حسابرسان به دلیل تلاش‌های بیشتر برای کاهش ریسک مرتبط با نگهداشت وجه نقد، حق‌الزحمه حسابرسی بیشتری درخواست می‌کنند. نتیجه آزمون فرضیه اول با نتایج پژوهش‌های دای فی و ماجلا [۱۹]؛ بنجامین و همکاران [۱۵] و واعظ و همکاران [۱۱] مطابقت دارد؛ اما با پژوهش ساموئل و همکاران [۳۲] همخوانی ندارد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش مبنی بر تاثیر نگهداشت وجه نقد بر حق‌الزحمه حسابرسی توصیه می‌شود حسابرسان میزان نگهداشت وجه نقد را در تصمیم‌گیری‌های خود برای حسابرسی واحدهای تجاری مدنظر قرار دهند. به مدیران پیشنهاد می‌شود با تعدیل ساختار سرمایه ریسک شرکت را کاهش و هزینه‌های نمایندگی و حق‌الزحمه حسابرسی را نیز کاهش دهند. پیشنهاد می‌شود مدیران در برنامه‌ریزی‌های آتی در ارتباط با میزان نگهداشت وجه نقد، علاوه بر نقدینگی ابتدای دوره، به تاثیر تصمیمات ساختار سرمایه بر نقدینگی هدف توجه کنند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد از سایر الگوها برای اندازه‌گیری نگهداشت وجه نقد مانند سطح وجوه نقد عملیاتی استفاده و با نتایج این پژوهش مقایسه کنند. همچنین برای ساختار سرمایه نیز می‌توان از سایر الگوها و مدل‌های موجود که بر اساس شرایط ایران بومی‌سازی شده‌اند استفاده کرد. توصیه می‌شود پژوهش حاضر با توجه به تفکیک صنایع و بررسی این موضوع در میان شرکت‌های موجود در صنایع بوس اوراق بهادار تهران بررسی گردد. انتظار می‌رود با توجه به تفاوت ماهیت فعالیت شرکت‌ها در صنایع مختلف نتایج متفاوتی حاصل شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به متفاوت بودن شدت و ضعف روابط در صنایع مختلف، در پژوهشی مشابه با پژوهش حاضر موضوع را در سطح هر یک از صنایع مورد بررسی قرار داده و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه کنند. در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش موسسه‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت جزء نمونه آماری پژوهش نیستند؛ لذا در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باید با احتیاط عمل شود.

فهرست منابع

۱. افیونی، علیرضا؛ هاشمی، سید عباس. (۱۳۹۶). "تأثیر سطح نگهداشت وجه نقد بر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نوسان‌های جریان نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای محدودیت مالی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۲۱(۴)، ۱۷-۴.
۲. خواجوی، شکرالله؛ بهپور، منصور؛ ممتازیان، علیرضا و صالحی‌نیا، محسن (۱۳۹۳). "بررسی رابطه متقابل رشد و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۲۱(۱)، ۸۸-۷۳.
۳. رجبی، روح‌الله؛ محمدی خشویی، حمزه. (۱۳۸۷). "هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۱۵(۵۳)، ۵۲-۳۵.
۴. ستایش، محمد حسین؛ ممتازیان، علیرضا و بهپور، سجاد (۱۳۹۴). "بررسی رابطه غیرخطی بین رشد و سودآوری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **مدیریت دارایی و تأمین مالی**، ۳(۴)، ۵۱-۶۶.

۵. سرلک، نرگس؛ فرجی، امید؛ ایزدپور، مصطفی؛ جودکی چگنی، زهرا. (۱۳۹۷). "بیش‌اعتمادی مدیران و نگهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده کیفیت حسابرسی". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۲۵(۲)، ۱۹۹-۲۱۴.
۶. علوی طبری، سید حسین؛ رباط میلی، مژگان؛ یوسفی اصل، فرزانه. (۱۳۹۲). "مسئله نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه جریان‌های نقدی آزاد". **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، ۱۹(۲)، ۳۰-۲۱۹.
۷. قدیم پور، جواد؛ دستگیر، محسن. (۱۳۹۵). "بررسی تأثیر عوامل ریسک دادخواهی حسابرسان بر حق‌الزحمة حسابرسی". **پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۸(۴)، ۳۷-۵۴.
۸. ملکیان، اسفندیار؛ احمدپور، احمد؛ طالب پور آهنگر، میثم. (۱۳۹۴). "بررسی رابطه برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر حق‌الزحمة حسابرسی و میزان مالکیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **پژوهش‌های حسابداری مالی**، ۱۴، ۱-۳۷.
۹. موسوی، سیدعلیرضا؛ داروغه حضرتی، فاطمه. (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین جریان نقد آزاد و حق‌الزحمة حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **حسابداری مالی**، ۳(۱۰)، ۱۷۳-۱۴۱.
۱۰. موسوی شیرینی، سید محمود؛ بخشیان، عسل. (۱۳۹۸). "نقش کمیته حسابرسی در تعدیل ارتباط بین اعتماد بیش از حد مدیریتی با حق‌الزحمة و تخصص حسابرس". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۸(۳۰)، ۷۴-۵۵.
۱۱. واعظ، سیدعلی؛ منتظرحجت، امیرحسین؛ خسروی، ناصر. (۱۳۹۷). "بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد بر حق‌الزحمة حسابرسی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران". **بررسی‌های حسابداری**، ۵(۱۸)، ۱۲۲-۱۰۷.
12. Anmol, B., Muhammad, J. A. & Doureige, J. (2015). " **Audit Fees and Capital Structure Decision**", [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
13. Bates, T., Kahle, K., & Stulz, R. (2009). "Why do U.S. firms hold so much more cash than they used to"? **The Journal of Finance**, 64 (5), 1985-2021.
14. Ben Ali, C., & Lesage, C. (2012). "Audit pricing and nature of controlling shareholders: Evidence from France". **China Journal of Accounting Research**, 6 (1), 21-34.
15. Benjamin, S. J., Ramachandran, J., Marathamuthu, S. M., & Mohamed, Z.B. (2015). "Cash holdings and their impact on audit fees. corporate finance". **Capital Structure & Payout Policies eJournal**. [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
16. Bhatia, A., Jahangir, M., & Jahangir A. (2015). " **Audit Fees and Capital Structure Decision**". DOI: 10.2139/ssrn.2564129
17. Christie, . . . , & Zimmerman, J. (1994). "Efficient and opportunistic choices of accounting procedures: corporate control contests". **The Accounting Review**, 69(4), 539-566
18. Chang, X., Dasgupta, S. & Hilary, G. (2009). "The effect of auditor quality on financing decisions". **The Accounting Review**, 28 (4), 85-111.
19. Dai Fei, Y., M. P., & Fang, H. (2015). "Fair value accounting for non-current assets and audit fees: Evidence from Australian companies". **Journal of Contemporary Accounting & Economics**, 45 (5), 103-125.

20. Dittmar, A., & Mahrt-Smith, J. (2007). "Corporate governance and the value of cash holdings". **Journal of Financial Economics**, 83 (5), 599-634.
21. Fan, J.P., Titman, S., & Twite, G. (2012). "An international comparison of capital structure and debt maturity choices". **Journal of Financial and Quantitative Analysis**, 47 (1), 23- 38.
22. Fama, E. F., & Miller, M. H. (1972). **The Theory of Finance**. Holt, Rinehart and Winston: New York.
23. Griffin, P.A., Lont, D.H. & Sun, Y. (2010). "Agency problems and audit fees further tests of the free cash flow hypothesis". **Accounting and Finance**, 50 (2), 321-350.
24. Harris, M., & Raviv, A. (1990). "Capital structure and information role of debt". **The Journal of Finance**, 2, 321-349.
25. Hope, O. K., Langli, J. C. & Thomas, W. B. (2012). "Agency conflicts and auditing in private firms". **Accounting, Organizations and Society**, 37 (7), 500-517.
26. Jensen, M. C. (1986). "Agency theory of free cash flow, corporate finance and takeovers". **The American Economic Review**, 76, 323-329.
27. Jensen, M. C., & Meckling W. H., (1976). 'Theory of the firm: Managerial behaviour, agency cost and ownership structure'. **Journal of Financial Economics**, 3, 305-360.
28. Kim, J. B., Lee, J. J., & Park, J. C. (2015). "Audit quality and the market value of cash holdings: The case of Office-level auditor industry specialization.". Auditing: **A Journal of Theory & Practice**, 34(2), 27-57.
29. Modigliani, F., Miller, M.H. (1963). "Corporate income taxes and the cost of capital: A Correction". **The American Economic Review**, 53, 433-443.
30. Myers, S. C. (1984). "The capital structure puzzle". **Journal of Finance**, 39 (3). 579-592 .
31. Ross, S. A. (1977). 'The determination of financial structure: the incentive-signaling approach'. **The Bell Journal of Economics**, 5, 23-40.
32. Samuel, J., Jayalakshmy, R., & Srikmaladevi, M. (2015). "Cash holdings and their impact on audit fees". **Financial Management**, 39 (2), 783-805.
33. Simunic, D. (1980). "The pricing of audit services: theory and evidence". **Journal of Accounting Research**, 18, 161-190.
34. Willenborg, M. (1999). 'Empirical analysis of the economic demand for auditing in the initial public offerings market'. **Journal of Accounting Research**, 37 (Spring), 225-238.



The Effect of Capital Structure and Cash Holdings on Audit Fees

Sedigheh Azizi(PhD)¹©

Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Kerman, Branch, Kerman, Iran.

(Received: January 10, 2022; Accepted: September 21, 2022)

The main purpose of this research is to investigate the impact of capital structure and the amount of cash retention on audit fees. In this regard, the debt ratio is used to measure the capital structure, and the ratio of cash plus short-term investments to the book value of the company's assets is used to measure the level of cash retention. For this purpose, a sample consisting of 1625 companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2008-2020 has been investigated using multivariate regression. The results of the research show that with the increase in the debt-based capital structure ratio, the control of external suppliers and creditors increases compared to the owners. Thus, with the increase of this ratio, the external creditor in order to reduce information asymmetry and conflict of interest has demanded an increase in transparency, more effort and seriousness of the audit work, which leads to an increase in auditors' fees. Also, the research results showed that keeping other factors constant, cash retention has a positive and significant effect on audit fees and reflects the fact that auditors react to different levels of companies' cash retention, which is one of the sources of agency costs.

Keywords: Cash Holdings, Capital Structure, Audit Fees.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ s_azizi23@yahoo.com © (Corresponding Author)